

میلاد امام علی(ع)/۲۵ اردیبهشت

محرم راز

گفته‌اند جمعه به دنیا آمد؛ در سیزدهم ماه رجب؛ یعنی ۳۰ سال بعد از عام الفیل؛ سالی که ابرهه، پادشاه حبشه با فیل‌های فراوان برای ویران کردن مکه به آن شهر حمله کرد. نامش را از آن جهت علی گذاشتند که اسمی آسمانی بود. اما در جنگ‌ها به او حیدر هم می‌گفتند. و حیدر یعنی شیر. ده بهار از عمر علی (ع) گذشت. او همچون نهالی زیبا در کنار رسول خدا بالید و رشد کرد. علی (ع) مثل سایه، همراه پسر عمومی خود بود. از او جدا نمی‌شد. حتی در آن شب‌هایی که رسول الله(ص) عاشقانه به سوی «غار حرا» می‌شافت، در دل تاریک و خوفناک کوه فرو می‌رفت و به راز و نیاز با خالق هستی بخش می‌پرداخت، علی همراه او بود.

این چنین بود که آن حادثه بزرگ اتفاق افتاد و رسالت الهی به محمد(ص) ابلاغ شد. او با این مأموریت و مسؤولیت عظیم از حرا به خانه آمد و آنچه را که در آنجا میان او و جبرئیل امین گذشته بود، با محترمان راز خود در میان گذشت. علی (ع) آن نوجوان ۱۰ ساله، محترم‌ترین و نزدیک‌ترین مرد به رسول خدا(ص) بود که از رسالت محمد(ص) باخبر شد و به آن ایمان آورد. بدینسان، علی (ع) از میان همه مردان دوران خود، تخصیص مردی بود که با رسول خدا بیعت کرد و این افتخار بزرگ برای همیشه نصیبیش شد. او سه سال شاهد تبلیغ پنهانی اسلام، توسط رسول الله(ص) بود.

منبع: امام اول. امیر حسین فردی. مدرسه.

بزرگداشت فردوسی/۲۵ اردیبهشت

سخن هر چه گوییم همه گفته‌اند
بر باغ دانش همه رفته‌اند
اگر بر درخت برومند جای
نیایم که از بر شدن نیست رأی
کسی کوشود زیر نخل بلند
همان سایه زو بازدارد گرند
توانم مگر پایه‌ای ساختن
بر شاخ آن سرو سایه فکن
کزین نامور نامه شهریار
به گیتی بمانم یکی یادگار

تا به حال ترجمه‌های فراوانی از «شاهنامه» شده است. اولین ترجمه متعلق به، فتح بن علی بن محمد البنداری الاصفهانی مشهور به بن‌داری، مورخ عربی نویس بود. ۶۲۰ او شاهنامه را در سال‌های ۶۴۲ از فارسی به عربی ترجمه کرد. بعدها شاهنامه به زبان‌های ارمنی، گرجی، گجراتی، لهستانی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی، اسپانیولی، ایتالیایی دانمارکی، لاتینی و... ترجمه شد. اکنون ما به اثری همچون شاهنامه و شاعری همچون حکیم ابوالقاسم فردوسی، فخر و مبارکات می‌کنیم و اطمینان داریم که فردوسی و شاهنامه‌اش تا ابد جاوید و زنده خواهند بود.

بزرگداشت سعدی/۱۱ اردیبهشت

یک قطره باران

یکی قطره باران ز ابری چکید
خجل شد چو پنهانی دریا بدید
که جایی که دریاست من کیستم
گر او هست، حقا که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید
صفد در کنارش به جان پرورید
سپهرش به جایی رسانید کار
که شد نامور لولو شاهوار
بنندی از آن یافت کاو پست شد
در نیستی کوفت، تا هست شد
(بوستان سعدی، باب چهارم: در تواضع)



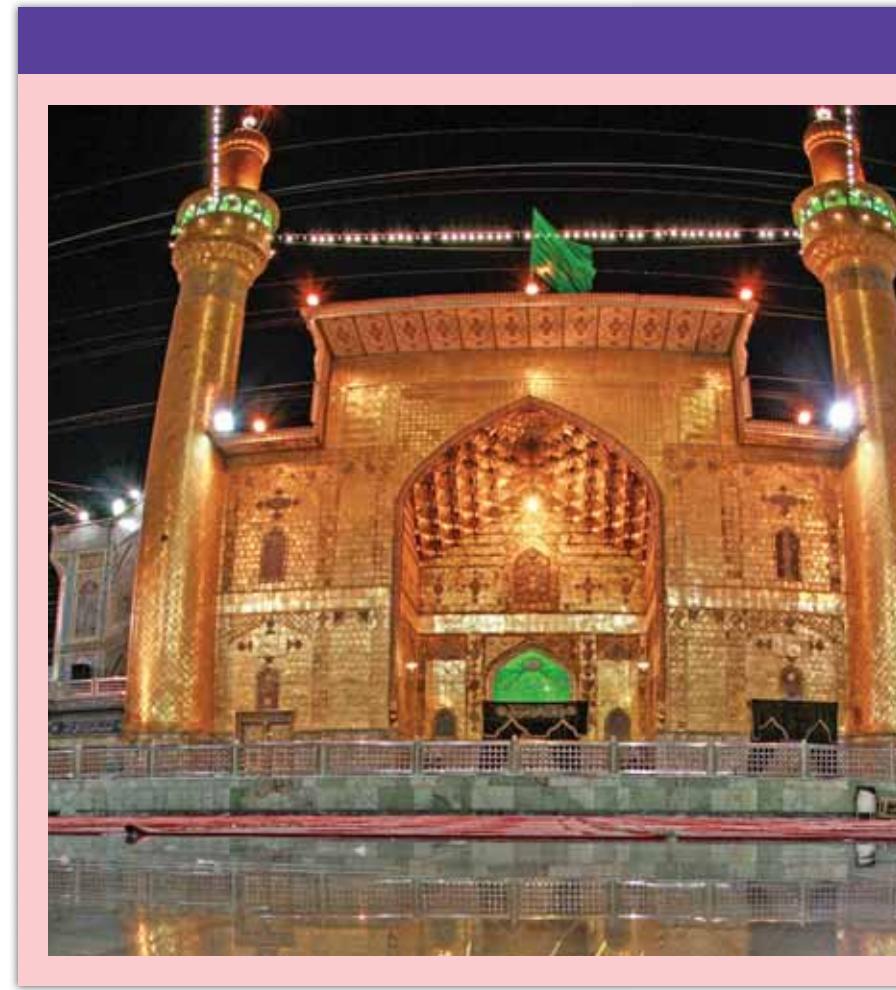
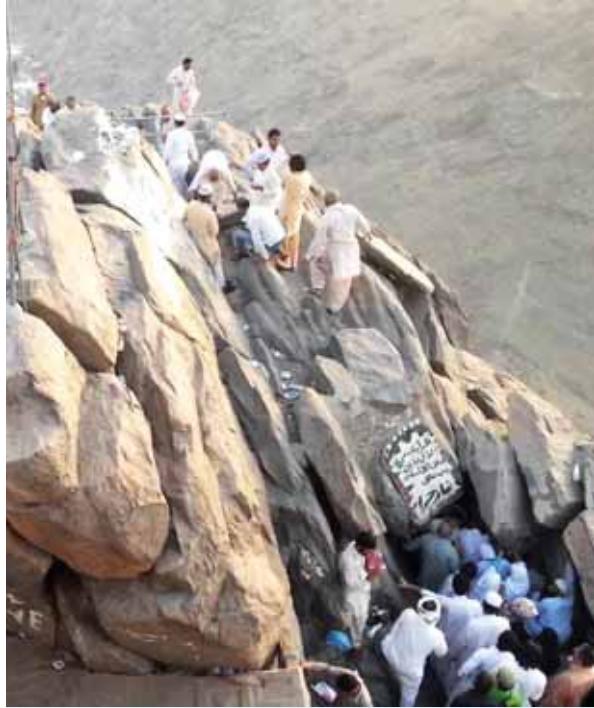
مبعث/۱۶ اردیبهشت

توى قاب ماه

«امين» و «من» و «مؤمن» آنقدر دنیا خطابت کرد
خدا طاقت نباورد و سرانجام انتخابت کرد
برای هر سری از روشنایت سایه بان می خواست
که شب را پیش پایت سر برید و آفتابت کرد
حجاز و حشی زیبا ندیده دل به حسن ات باخت
که بت ها را شکست و قبله دلها حسابت کرد
خداد از چشم زخم مردمان دورت نمود آن گاه
تو را تا آسمان ها برد و مثل ماه قابت کرد
تو را از آسمان بارید مثل عشق بر دنیا
زمین را تشنه دید و در دل هر قطره آبت کرد
دوای درد دین و درد دنیا ، درد بی دردی
حضورت دردهای مرگ را حتی طبابت کرد

تو را از دورها هم می شود آموخت ای خورشیدا
زمین گیانه حتی با تو احساس قربات کرد
که از این فاصله ، این سال های نوری دوری
همیشه پرتو مهرت به شب هامان اصابت کرد
هنوز از قله های مأذنه نام تو می روید
 فقط باید دعا خواند و یقین در استجابت کرد

سودابه مهیجی



روز معلم/۱۲ اردیبهشت

معلم عشق

می توان در سایه آموختن
گنج عشق جاودان اندوختن
اول از استاد، یاد آموختیم
پس سویدای سواد آموختیم
از پدر گر قالب تن یافتیم
از معلم جان روشن یافتیم
ای معلم جون کنم توصیف تو
چون خدا مشکل توان تعریف تو
ای تو کشته نجات روح ما
ای به توفان جهالت نوح ما
یک پدر بخشندۀ آب و گل است
یک پدر روشنگر جان و دل است
لیک اگر پرسی کدامین برترین
آن که دین آموزد و علم یقین
استاد محمد حسین شهریار

